پژوهش‌های فقهی، دورهٔ ۱۳، شمارهٔ ۲، تابستان ۱۳۹۶
صفحات ۲۲۳-۲۴۲

مقاصد شریعت و جایگاه آن در استنباط حکم شرعی

سید ابوالقاسم نقیبی*

دانشیار دانشگاه شهید مطهری

(تاریخ دریافت:۹۲/۷/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۱۸)

چکیده

مقاصد شریعت عبارت از اهدافی است که در شریعت به‌منظور جلب مصالح و دفع مفاسد بندگان، از ناحیهٔ شارع دنبال می‌شود. مقاصد شریعت به اعتبار اهمیت، به ضروریات، حاجیات و تحسینات تقسیم شده‌اند که حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال بندگان از مصالح ضروریه تلقی شده است. فقیه به استناد آیات، احادیث معتبر، عقل و بنای عقلا، مشروعیت و موارد مقاصد شریعت را به‌دست می‌دهد. مقاصدی که در منابع شناسایی شده‌اند، در فهم و تفسیر حکم شرعی مؤثرند و چه بسا، دلیلی که متضمن مقاصد است، از ظهور اطلاق یا عموم دلیل متضمن حکم، جلوگیری کند یا در نفی اعتبار برخی روایات مغایر با مقاصد استفاده شود.

واژگان کلیدی

استنباط حکم شرعی، حکمت، شریعت، علت حکم، مقاصد، مقاصد شریعت.

*. da.naghibi@yahoo.com

Archive of SID

www.SID.ir

مبحث اول: معناشناسی مقاصد شریعت و اقسام آن

اصطلاح مقاصد شریعت مرکب از دو واژهٔ مقاصد و شریعت است.

۱. ۱. معناشناسی مقاصد شریعت

شریعت در لغت به‌معنای «راه ورود به آب» است (ابن‌منظور، ١٤١٤ق، ج ۸: ۱۷۵؛ جوهری، ١٤١٠ق، ج ۳: ١٢٣٦). اما در متون اسلامی به‌معنای دین به‌کار رفته است (راغب اصفهانی، ١٤١٢ق: ٤٥٠؛ جوهری، همان). از آنجایی‌که تعالیم دین اسلام شامل عقاید، احکام و اخلاق می‌شود، مقاصد شریعت به‌معنای اهداف خداوند از عقاید، احکام و اخلاق خواهد بود. همچنین واژهٔ شریعت به‌معنای احکام و مقررات عملی تکلیفی و وضعی به‌کار رفته است (ابن‌منظور، ق١٤١٤، ج ۸: ١٧٦) در این کاربرد مراد از مقاصد شریعت، اهداف خداوند از تشریع مقررات عملی در دین اسلام است. بنابراین مقاصد شریعت، اهداف و اسراری هستند که شارع هنگام وضع احکام، آنها را لحاظ کرده است (فاسی، ١٤١١ق، ج ۲: ۳) یا به تعبیر دیگر اهداف و نتایجی برخاسته از روح شریعتند که شارع احکام را بر اساس آن پی‌ریزی می‌کند و برای دستیابی به آن در هر زمان و مکان، اسباب و امکانات لازم را فراهم می‌آورد (زحیلی، *بی‌تا*: ۷۰) یا اهدافی است که در شریعت به‌منظور تحقق مصالح بندگان پیش‌بینی شده است (ریسونی، ١٤١٦ق: ۱۹) یعنی شارع با جلب مصالح و دفع مفاسد از بندگان، مقاصد خود را در نظام تشریعی دنبال می‌کند. تمام آنچه در شریعت اسلام آمده است، علت، مقصود، حکمت و هدفی دارد، چون شارع قانونگذاری حکیم است. منظور از حکیم بودن او این است که او در مقام قانونگذاری، مقررات لغو و بی‌فایده‌ای را تشریع نمی‌کند. «حکمت» از شئون علیم بودن، مرید بودن و هدف داشتن و مبین اصل (علت غایی) برای تکوین و تشریع است. بنابراین احکام و نظاماتِ تشریع‌شده، مقصدمند و غایت‌مدارند. بر اساس این تلقی، احکام شرعی راه‌ها و برنامه‌هایی هستند که انسان را به مقاصد شارع می‌رسانند. از آنجایی‌که این احکام برای عمل انسان تکلیف شده‌اند، باید کاملاً شفاف و واضح باشند. چنانچه نماز که ابزار و راه وصول به تقرب به

Archive of SID

www.SID.ir

خداوند است؛ «الصلاة قربان کل تقیٍّ» (حر عاملی، ١٤١٤ق، ج ٣: ٣٠) آغاز و انجام، اجزا و ارکان معین و مشخص دارد و در ادلهٔ شرعی به تفصیل بیان شده است.

۱. ۲. اقسام مقاصد شریعت

مقاصد شریعت به اعتبارات گوناگون، تقسیمات متفاوتی دارد که تنها به دو مورد آن اشاره می‌کنیم.

۱. ۲. ۱. ضروریات، حاجیات، تحسینات

امام محمد غزالی، مصالح و مقاصد مورد نظر شارع را به اعتبار اهمیت، به ضروریات، حاجیات و تحسینات تقسیم کرده و برای هر کدام، مواردی را (که حکم مکمل دارد) قرار داده است (غزالی، ١٤١٧ق، ج ١: ٤١٦).

الف) ضروریات

ضروریات، امور مورد احتیاجی هستند که نظام زندگی بدون آنها سامان نمی‌یابد. یعنی عدم آنها موجب اختلال نظام زندگی و تباهی و فساد در زندگی می‌شود. مانند مشروعیت خرید و فروش که منع غرر و جهل مکمل آن به‌شمار می‌آید و مشروعیت قصاص که لزوم مماثلت قاتل و مقتول مکمل آن محسوب می‌شود.

ب) حاجیات

حاجیات اموری هستند که برای توسعهٔ زندگی و رهایی از سختی، رنج و مشقت، جعل آنها لازمند. مانند اباحهٔ طیبات، احکام مستحب و بعضی از موارد وجوب کفایی برای این نوع از مصالح پیش‌بینی شده است.

ج) تحسینات

تحسینات و تزیینات، اموری هستند که مراعات آنها برای رسیدن به اخلاق و عادات پسندیده‌اند که در شریعت پیش‌بینی شده است. مانند ازالهٔ نجاست و جعل طهارات از منظر غزالی.

از منظر غزالی، مقصود شارع از جعل مصالح ضروری، حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال بندگان است (غزالی، ١٤١٧ق، ج ١: ٤١٧؛ شاطبی، ١٤١٥ق، ج ٢: ٨ – ١١). شهید اول

Archive of SID

www.SID.ir

در این زمینه می‌نویسد: «حفظ نفس با تشریع قصاص یا لزوم پرداخت دیه یا دفاع است؛ حفظ دین، به وجوب جهاد؛ به حفظ عقل یا تحریم مسکرات و جعل حد بر نوشیدن آنهاست؛ حفظ نسب با تحریم زنا، لواط و نزدیکی به حیوانات و تحریم نسب ناروا (قذف) و تشریع حد بر آن؛ و حفظ مال با تحریم غصب دزدی، خیانت، راه زدن و قرار دادن حد و تعزیر بر ارتکاب آنهاست» (شهید اول، ۱۹۸۰، ج ۱: ۳۸). برخی شمارش مقاصد شرایع در موارد پنجگانه را غیرجامع دانسته‌اند (البدوی، ۱۳۷۸، ٢٦٥ – ۲۷۹).

۲.۲.۱. مقاصد کلی، جزیی و خاص

مقاصد به اعتبار گسترهٔ آن به سه دسته تقسیم شده است.

۱. مقاصد کلی

مقاصدی هستند که شارع در وضع تمام یا غالب احکام به آنها توجه داشته است، به‌نحوی که در آن اهداف، حکم خاص یا نوع خاصی را مد نظر قرار نداده باشد (ابن‌عاشور، ١٤٢١ق، ج ۲: ۲۵۱) چنانکه شارع شناسایی مالکیت دولت اسلامی نسبت به فیء را عدم تمرکز ثروت در انحصار عدهٔ خاص یعنی عدالت عنوان کرده است؛ «کی لایکون دولهٔ بین الاغنیاء منکم» (حشر: ۷) که از آن، عدالت به‌عنوان مقصد کلان شناسایی می‌شود.

۲. مقاصد خاص

مراد از مقاصد خاص، مقاصدی هستند که شارع در مجموعه‌ای از احکام دنبال می‌کند که در باب خاص ساماندهی می‌شوند و از قرابت برخوردارند. مانند؛ مقاصد نکاح و مقاصد کیفر مجرمان.

۳. مقاصد جزیی

مقاصدی که شارع در یکایک احکام شرعی دنبال می‌کند، مقاصد جزیی خوانده می‌شوند. چنانچه مقصود از رهن، حصول اطمینان از استیفای دَین است.

۱. ۲. ۳. مقاصد متوسط و نهایی

مقاصد شریعت دارای مراتب هستند. یعنی برخی از مقاصد و اهداف، مقدمهٔ مقاصد و

Archive of SID

www.SID.ir

اهداف بالاتری محسوب می‌شوند و بعضی دیگر خود دارای مطلوبیت ذاتی هستند. لذا مقاصد را می‌توان به اعتبار مقدمه شدن برای اهداف دیگر یا داشتن مطلوبیت ذاتی، به دو نوع متوسط و نهایی تقسیم کرد. چنانچه قرآن کریم هدف خلقت انسان را عبادت می‌داند: «و ما خلقت الانس و الجن الا لیعبدون» (ذاریات: ٥٦) و در آیهٔ ۲۱ سورهٔ بقره، مقصد از عبادت را تقوا تلقی می‌کند: «یا ایها الناس اعبدوا الله الذی خلقکم و الذین من قبلکم لعلکم تتقون» و در آیهٔ ۱۳۰ سورهٔ آل‌عمران، تقوا را مایهٔ فلاح و رستگاری می‌داند: «و اتقوا الله لعلکم تفلحون» ولی در قرآن کریم، فلاح و رستگاری برای مقصد دیگری مطرح نشده است. بنابراین از منظر قرآن کریم، رستگاری و فلاح مقصد نهایی به‌شمار می‌آید و عبادت و تقوا از مقاصد متوسط محسوب می‌شوند.

در تقسیم مقاصد شریعت به کلی، خاص و جزیی معلوم شد که شارع علاوه بر مقاصد کلی و کلان که در تشریع مجموعه احکام و مقررات عملی اسلام دارد، از تشریع هر حکم خاصی نیز، مقصد یا مقاصد مشخصی را دنبال می‌کند. در ادبیات فقهی و حدیثی به مقاصد هر حکم خاص، علل‌الشرایع اطلاق می‌شود.

در غالب موارد مراد از علل‌الشرایع، حکمت‌های احکام شرعی است. یعنی مصالحی که سبب جعل و تشریع حکم شرعی می‌شود. ولی آن حکم دائرمدار تحقق آن مصلحت نیست. یعنی می‌توان حکم را منهای آن مصلحت تصور کرد. مانند جلوگیری از فحشا و منکر که از حکمت‌های جعل حکم وجوب برای نماز است، ولی می‌توان وجوب نماز را منهای آن تصور کرد؛ یعنی حکم وجوب نماز دائرمدار تحقق آن نیست. لذا نباید علل شرایع را به‌معنای علت احکام دانست؛ چون علت حکم همان مصلحت و غرضی است که موجب جعل حکم شده و حکم وجوداً دائرمدار تحقق آن است. مانند «لاتشرب الخمر لانه مسکر» که اسکار، علت حکم است. یعنی حکم حرمت دائرمدار اسکار محسوب می‌شود.

مبحث دوم: سیر تاریخی طرح بحث از مقاصد شریعت و علل شرایع

۲. ۱. سیر تاریخی طرح بحث از مقاصد و علل شرایع در اصول فقه اهل سنت

در تاریخ فقه اهل سنت اولین بار محمدبن علی ترمذی کتاب «الصلاة و مقاصدها» را نگاشته

Archive of SID

www.SID.ir

است. مراد وی از مقاصد، حکمت‌های مترتب بر جعل وجوب نماز است. ولی تعبیر مقاصد شریعت به‌معنای مصطلح، از سدهٔ پنجم به بعد از ناحیهٔ امام الحرمین جوینی در کتاب «البرهان فی اصول الفقه» مطرح شد و غزالی در کتاب «المستصفی من علم الاصول» آن را پروراند و شاطبی در کتاب «الموافقات» بحث از مقاصد شریعت را به اوج رساند تا آنجا که از وی به «امام المقاصد» یاد شده است.

در دوران اخیر، پژوهش‌های جدید در زمینهٔ مقاصد شریعت و تعلیل احکام در بین اهل سنت فزونی یافت و کتاب‌های فراوانی در این زمینه نگاشته شد که «تعلیل الاحکام» از محمد مصطفی شلبی، «مقاصد الشریعهٔ الاسلامیهٔ» از محمد طاهربن عاشور، «مقاصد الشریعهٔ» از علال الفاسی، «المقاصد العامهٔ للشریعهٔ» از یوسف حامد از آن جمله‌اند.

۲. ۲. سیر بحث از علل شرایع و مقاصد شریعت در اصول فقه امامیه

مؤلفان شیعه از سده‌های دوم و سوم در زمینهٔ علل احکام، کتاب‌هایی نوشته‌اند همچون: ۱. «علل الشرایع» تألیف ابومحمد عمربن مفضل جعفی؛ ۲. «العلل» نوشتهٔ فضل‌بن شاذان‌بن خلیل نیشابوری ازدی؛ ۳. «العلل» تألیف علی‌بن حسن‌بن علی‌بن فضال فطحی؛ ٤. «العلل» نوشتهٔ ابوالحسن علی‌بن ابی سهل حاتم‌بن ابی‌حاتم قزوینی؛ ٥. «العلل» اثر احمدبن محمدبن حسین‌بن حسن‌بن دول قمی؛ ٦. «علل الشریعهٔ» از ابوعبدالله حسین‌بن علی‌بن شیبان قزوینی؛ ۷. «العلل» از محمدبن ابراهیم‌بن محمد همدانی؛ ۸. «علل الشرائع و الاحکام» تألیف محمدبن علی‌بن بابویه معروف به صدوق. این‌ها کتاب‌هایی هستند که در این زمینه نوشته شده‌اند. از نگاشته‌های یادشده تنها کتاب «علل الشرایع و الاحکام» تألیف شیخ صدوق به‌طور کامل باقی مانده است. تدوین علل‌الشرایع از ناحیهٔ عالمان اسلامی الهام‌گرفته از روش قرآن کریم و بیانات نبی اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) در زمینهٔ بیان حکمت‌ها و علت‌های احکام الهی محسوب می‌شود. مسئلهٔ علل الشرایع، مورد توجه بزرگانی از قدمای فقهای امامیه هم بوده است.

فقیهان متأخر امامیه مانند امام خمینی (ره)، شهید مطهری (ره) به مسئلهٔ مقاصد شریعت و علل الشرایع توجه داشته‌اند(امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۱۷۷، ۲۹۲؛ همو، ۱۳۷٦: ۱۹؛ مطهری، ۱۳۸۰، ج ۹: ۲۷، همو، ۱۳٦۲: ۷۱ و ۷۳).

Archive of SID

www.SID.ir

مبحث سوم: منابع دستیابی به مقاصد شریعت

مقصود از منابع مستنداتی است که برای اثبات حقانیت، مشروعیت، ضرورت و تعیین و تشخیص مقاصد شریعت ارائه می‌شوند. قرآن کریم، احادیث معتبر، عقل و بنای عقلا منابعی هستند که می‌توان علل الشرایع و مقاصد شریعت را با تکیه بر روش‌های استنباط از آنها استخراج کرد.

۳. ۱. مقاصد شریعت در قرآن و احادیث معتبر

قرآن کریم در بعضی از آیات خود، احکام شرعی را بیان کرده است. مانند: «اتموالصیام الی اللیل» (بقره: ۱۸۷)؛ «إن الصلاة کانت للمؤمنین کتابا موقوتا» (نساء: ۱۰۳)؛ «فللذکر مثل حظ الانثیین» (نساء: ۱۱) و در برخی گزاره‌های خود، مقاصد کلی شریعت یا حکمت‌های تشریع حکمی از احکام را بیان می‌کند. چنانچه گزارهٔ «و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون» (ذاریات: ٥٦) مقصد زندگی انسان را عبادت می‌داند و گزارهٔ «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط» (حدید: ۲۵) قیام به قسط و عدل را از مقاصد اهداف ارسال پیامبران و کتاب‌های آسمانی تلقی می‌کند. یعنی عدالت از مقاصد کلان شرایع الهی است.

بعضی از گزاره‌های قرآنی مشتمل بر حکمت حکم شرعی هستند. چنانچه در آیهٔ شریفهٔ «کتب علیکم الصیام ... لعلکم تتقون» (بقره: ۱۸۳) تقوی از مقاصد روزه به‌شمار آمده است و در آیهٔ شریفهٔ «إن الصلاة تنهی عن الفحشاء و المنکر» (عنکبوت: ٤٥) نهی از فحشا و منکر از حکمت‌های صلات ذکر می‌شود.

برخی از روایات نیز مانند آیات یادشده بیانگر حکمت‌ها و مقاصد شرعی هستند. چنانچه امام رضا (ع) در بیانی که فضل‌بن شاذان از آن حضرت نقل کرده است، فرمود: «إن سأل سائل، فقال: اخبرنی ... قیل لهم منها ما نعرفه و منها ما لانعرفه» (مجلسی، ١٤٠١ق، ج ٦: ٥٨)؛ «... اگر کسی پرسید که خداوند چرا خلق را مکلف نمود؟ در جواب گفته می‌شود به‌خاطر علت‌هایی و اگر پرسید که آیا آن علت‌ها، شناخته‌شده و موجودند یا ناشناخته و غیرموجودند؟ در جواب گفته می‌شود که البته آن علت‌ها به نزد اهلش شناخته و موجودند. و اگر سؤال کرد که آیا خود شما آنها را می‌دانید یا نمی‌دانید؟ در جواب گفته می‌شود که

Archive of SID

www.SID.ir

برخی از آنها را می‌دانیم و برخی دیگر را نمی‌دانیم. ... و اگر سؤال کرد که وضو در اول نماز برای چه منظوری است؟ در جواب گفته می‌شود که وضو به این منظور است که وقتی بنده، هنگام ایستادن به مناجات با پروردگارش که برای اطاعت از امر اوست، پاک باشد، از پلیدی‌ها و نجاسات پاکیزه باشد، به‌علاوه اینکه وضو ساختن، موجب از میان رفتن کسالت و خواب‌آلودگی و پاکی دل برای قیام در پیشگاه خداوند جبار می‌گردد (همان: ٦٤) ... و اگر پرسید که چرا ذکرهای اذان را دو مرتبه می‌گویند؟ جواب داده می‌شود به‌دلیل اینکه در گوش شنوندگان تکرار شود و برای آنان مؤکَّد باشد، تا اگر کسی از ذکر نخست غفلت کند، از دومی غفلت نورزد، و به‌دلیل اینکه نماز دو رکعت است، پس [اذکارِ] اذان نیز دو مرتبه تشریع شده است (همان: ٦٦) ... اگر سؤال کرد که چرا میت را در کفن می‌پیچند؟ در جواب گفته می‌شود به‌دلیل اینکه پروردگارش را با بدنی پاکیزه ملاقات کند و به‌دلیل اینکه عورت وی برای کسانی که او را حمل و دفن می‌کنند، نمایان نشود و به‌دلیل اینکه برخی از حالات میت و زشتی منظر او بر مردم هویدا نگردد و زیرا قلب نظاره‌کنندگان از کثرت نظاره به چنین حالاتی قساوت نگیرد (همان: ٧٧). در خطبهٔ حضرت فاطمه زهرا (س) آمده است: «... فَفَرَضَ اللهُ الایمانَ تطهیراً من الشرک و تنزیهاً من الکبر ...؛ خداوند ایمان را به‌منظور پاکیزگی از شرک و تنزیه از کبر، و زکات را به‌منظور افزایش روزی و روزه را برای تثبیت اخلاص و حج را برای علوّ دین و عدل را به‌منظور آرامش دل‌ها و طاعت را برای نظام یافتن دین و امامت را به‌جهت پیشگیری از تفرقه و جهاد را برای عزت اسلام و صبر را برای یاری بر استحقاق یافتن و امر به معروف و نهی از منکر را به‌منظور مصلحت عموم مردم واجب نمود ...» (صدوق، بی‌تا، ج ۱: ٢٣٦).

۳. ۲. دستیابی به مقاصد شریعت با تکیه بر بنای عقلا

بسیاری از احکام شرعی امضایی هستند، یعنی پیش از نزول شریعت سابقه داشته‌اند و عقلا در عمل، به آنها پایبند بوده و هستند، مانند حکم لزوم بیع یا اجاره. لذا گزارهٔ «احل الله البیع» در حقیقت چیزی جز امضای عقد بیع موجود و تأیید مقاصد آن بر اساس عرف و عادت زمان شارع نیست. ولی در احکام تأسیسی که از ابداعات شارع بوده و پیش از تشریع احکام اسلامی سابقه نداشته است، مانند نماز با اجزا و شرایط خاصش که از جملهٔ

Archive of SID

www.SID.ir

احکامی هستند که دستیابی به علل تشریع و مقصد شریعت از آن در غالب موارد، نیازمند به بیان شارع است و از دلیل جعل حکم یا دلیل دیگری می‌توان به مقاصد جزیی هر یک از آن احکام تأسیسی دست یافت؛ فقیهان از روش‌هایی چون تنقیح مناط و تعمیم ملاک به‌عنوان سازوکارهای دستیابی به علل شرایع بهره جسته‌اند. ولی بسیاری از آنان معتقدند که مناطات احکام تعبدی توسط عقول درک‌شدنی نیست (خمینی، ۱۳۷٦، ج ۳: ٤۳٦). چگونه می‌توان به علت چهار رکعت بودن نماز ظهر و عصر پی برد؟! چون هر حکمتی هم که تعیین می‌شود، مُبَیِّن مصلحت قطعی حکم نیست.

باید یادآوری کرد که هر حکم عبادی ضرورتاً حکم تعبدی به‌شمار نمی‌آید. احکام عبادی احکامی هستند که قصد قربت در آنها شرط است و نفع و مصالح اخروی در آنها غلبه دارد یا تنها دارای مصالح اخروی باشند و برای تنظیم رابطهٔ انسان با خدا پیش‌بینی شده باشند. برخی از این احکام عبادی ویژگی تعبدی یعنی جزمیت و توقیفی بودن ندارند. چون می‌توان به مصلحت جعل آن دست یافت، ولی برخی از احکام عبادی تعبدی هم هستند، یعنی نمی‌توان به مصالح و مقاصد آن دسترسی پیدا کرد. مانند نماز صبح که عبادی است و تعداد رکعات آن تعبدی و توقیفی محسوب می‌شود. همچنین چه‌بسا حکمی عبادی نباشد، ولی تعبدی به‌شمار آید مانند حکم وجوب عِدّه نگهداشتن بر زنانی که در سنی هستند که عادتاً حیض می‌شوند، از ناحیهٔ برخی فقیهان تعبدی و توقیفی به‌شمار آمده است.

۳. ۳. دستیابی به مقاصد شریعت با تکیه بر دلیل عقل

فهم مصالح و مفاسد احکام و مقاصد مورد نظر شارع از آنها توسط عقل، بر پیش‌فرض‌هایی مبتنی است که آن پیش‌فرض‌ها عبارتند از: ۱. احکام شرعی از مصلحت و مفسده در متعلق برخوردار است. یعنی هر جا مصلحت، لازم‌التحصیل یا مفسده لازم‌الاجتناب است، حکم شرعی هم وجود دارد. به تعبیر شهید در قواعد «الشرع معلل بالقواعد»؛ ۲. این مصلحت و مفسده، توسط عقل فهم‌شدنی و درک‌پذیر است؛ ۳. هر مصلحت و مفسدهٔ درک‌شده از ناحیهٔ عقل، با حکم شرعی ملازمه دارد «ما حکم به العقل حکم به الشرع»؛ ٤. مصالح و مفاسد مُحَصِّلِ مقاصدِ شریعت هستند؛ ۵. درک مقاصد از ناحیهٔ عقل با درک مصالح و مفاسد صورت می‌پذیرد.

Archive of SID

www.SID.ir

مسئلهٔ امکان فهم مصالح و مفاسد مورد نظر شارع، از ناحیهٔ عقل به‌نحوی که با تکیه بر این فهم بتوان به حکم شرعی دست یافت، همواره مورد توجه فقیهان بوده است. عده‌ای از آنان معتقدند که به غیر از طریق نقل نمی‌توان به مصالح و مفاسد، به‌عنوان مناطات مورد نظر شارع در احکام دست یافت. محمد امین استرآبادی (استرآبادی، ۱۳۸٤: ۱٦۲، ۱۲۹، ۱۳۰)، سید نعمت‌الله جزایری (جزایری، بی‌تا: ٤٦ – ٤۷)، شیخ یوسف بحرانی (بحرانی، ۱۳۷٦، ج ۱: ۱۳۱) از عالمان اخباری هستند که منکر درک و فهم مناطات احکام از ناحیهٔ عقل بودند. علاوه بر اخباریون برخی از عالمان اصول نیز عقل را در درک مناطات همهٔ احکام ناتوان می‌دانند. شیخ انصاری (شیخ انصاری،۱٤۲۲ق، ج ۱: ٦۲)، محقق اصفهانی (اصفهانی، *بی‌تا*، ج ۲: ۱۳۰)، محقق خویی (خویی، ۱٤۱۰ق، ج ۳: ۷۰) هر یک با تقریری بر آن تأکید دارند. گرچه فقیهان یادشده از درک عقل از مقاصد شریعت سخن نگفته‌اند، با عنایت به نسبت و رابطهٔ مصالح و مفاسد احکام شرعی با مقاصد شریعت، می‌توان تلقی آنان را در زمینهٔ مصالح و مفاسد، به مقاصد نیز تعمیم بخشید و قائل شد که این گروه از عالمان، فهم و درک مقاصد همهٔ احکام را از ناحیهٔ عقل برنمی‌تابند. عالمان اهل سنت حتی محمد غزالی که خود از نظریه‌پردازان مقاصد شریعت است، منابع مصلحت شرعی را، قرآن، سنت و اجماع می‌داند و مصلحتی را که از غیر منابع یادشده فهمیده شود، مصالح غریبه و باطل تلقی می‌کند. شاطبی نیز در «الموافقات» دستیابی به مقاصد را از ناحیهٔ عقل نمی‌پذیرد و می‌نویسد: «برخی معتقدند که مصالح و مفاسد مربوط به آخرت، تنها از طریق شرع (و نقل) شناخته می‌شود. اما مصالح و مفاسد دنیوی از راه ضرورت، تجربه، عادت و ظنّ معتبر قابل فهم است. ولی این سخن هرچند نسبت به مصالح و مفاسد اخروی صحیح است، اما در زمینهٔ مصالح و مفاسد دنیوی به‌نحو مطلق قابل قبول نیست. اگرچه فی‌الجمله قابل پذیرش است» (شاطبی، ۱٤۱۵ق، ج ۲: ۳۷).

در مقابل نظریهٔ عدم امکان فهم مصالح و مفاسد از ناحیهٔ عقل، عده‌ای با تأکید بر قاعدهٔ «ما حکم به العقل حکم به الشرع» بر این باورند که می‌توان از طریق عقل، به مصالح و مفاسد افعال دست یافت و با عنایت به تبعیت احکام از مصالح و مفاسد درک‌شده، به حکم وجوب یا حرمت اذعان کرد. یعنی هرگاه عقل مصلحت حتمی (مُلزِمه) در انجام دادن

Archive of SID

www.SID.ir

عملی یا مفسدهٔ لازم‌الاجتناب در آن را درک کند، فاعل فعلِ دارایِ مصلحت را، مستحق مدح و ثواب و فاعلِ فعلِ دارای مفسده را، مستحق ذم و عقاب می‌داند. با استمداد از قانون ملازمه می‌توان به وجوبِ فعلِ دارایِ مصلحت و حرمتِ فعلِ دارای مفسده حکم کرد. این نظریه به مشهور اصولیان شیعه و گروهی از اهل سنت منسوب است (نراقی، ۱٤۱۷ق: ٤٤۰). به‌عنوان نمونه میرزای قمی در این زمینه می‌نویسد: «گرچه این اعتبار به حکم قطعی عقل مستند باشد، به این جهت که عقل مصلحتی خالی از مفسده چون حفظ دین، جان، عقل، مال و نسل را درک می‌کند و شارع پاسداری از این مصالح و خودداری از آنچه را که به تباه شدن این مصالح می‌انجامد، اعتبار می‌نماید. یا این مصالح در شرع معتبر نیست. مثل اینکه گفته شود بر مُتَمَوِّل در کفارهٔ روزه، تنها روزهٔ دو ماهِ پی‌درپی واجب است، چرا که در مورد او بازدارندگی بیشتری دارد» (قمی، بی‌تا، ج ۲: ۹۱ و ۹۰).

برخی از عالمان بر این باورند که عقل فی‌الجمله مناطات احکام را به‌نحو قطعی درک می‌کند و ملازمه نیز انکارناپذیر است. ولی در هر مورد که چنین درکی و قطعی برای عقل حاصل شود، شرع مقدس به‌صورت خاص یا عام در قالب آیه یا حدیث، حکم آن را بیان کرده است. از این‌رو، برای رسیدن به حکم، به عقل نیازی نیست (صدر، ۱٤۰۳ق: ۹۸).

به‌هر حال، درک مناطات احکام به‌نحو قطعی، از ناحیهٔ عقل و شناسایی قانون ملازمه، فقیه را در اذعان به مقاصد احکام غیرتعبدی رهنمون می‌شود.

از مجموع مباحث ارائه‌شده درمی‌یابیم که فقیه برای فهم، کشف و تبیین مقاصد شریعت باید به قرآن کریم، احادیث معتبر و عقل مراجعه کند.

مبحث چهارم: جایگاه مقاصد شریعت در استنباط احکام شرعی

٤. ۱. تصریح به مقصد در لسان دلیل

در روش اجتهاد رایج، فقیه با مراجعه به ادلهٔ معتبرِ متضمن حکم شرعی آن را کشف و ارائه می‌کند. حال چنانچه، در آن ادلهٔ نقلی که متضمن حکم شرعی است، مقصد یا مقاصد آن حکم نیز ارائه شده باشد، اگر در مقام تعلیل نباشد، آن مقصد را، از مقولهٔ حکمت حکم به‌شمار می‌آورد و در تفسیر ادلهٔ مزبور، از حکمت‌های تصریح‌شده بهره می‌جوید. به‌عنوان

Archive of SID

www.SID.ir

نمونه در دلیل قرآنی «فَاعبُدُونِی وَ اَقِمِ الصَّلاةَ لِذِکرِی» (طه: ١٤) کـه متضـمن حکـم شـرعی وجوب نماز است، به یکی از مقاصد نماز که ذکر و یاد خداست تصریح می‌کند. یا در دلیل قرآنی «خُذ مِن اَموَالِهِم صَدَقَةً تُطَهِّرُهُم وَ تُزَکِّیهِم وَ صَلِّ عَلَیهِم إنَّ صَـلاتَکَ سَـکَنٌ لَهُـم» (بقـره: ۱۰۳) که متضمن حکم شرعی وجـوب زکـات اسـت، بـه مقصـد آن کـه تطهیـر و تزکیـهٔ زکات‌دهنده بوده، تصریح شده است. یا در آیهٔ شریفهٔ «و أعِدُّوا لهم مَااستَطَعتُم مِـن قُـوَّةٍ مِـن رِبَاطِ الخَیلِ تُرهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللهِ وَ عَدُوَّکُم» (انفال: ۱) ترس دشمنان خدا و مؤمنان، از مقاصـد تمهید قوا و تجهیز مسلمانان به‌شمار می‌آید. فهم، تفسـیر و تبیـین حکـم بـدون توجـه بـه مقاصدِ تصریح‌شده در لسان دلیل تمام نیست.

٤. ۲. نحوهٔ مواجههٔ فقیهانِ امامیه با ادلهٔ متضمن و مُبینِ مقاصد شریعت

دسته‌ای از نصوص تنها متضمن مقاصد شارع هسـتند. دلیـل «إعـدلوا هـو اقـرب للتقـوی» (مائده: ٦) از آن جمله است. بدون تردید از این دسته از ادله مـی‌تـوان بـه ارزش و اعتبـار مقاصد شارع دست یافت، ولی آنچه مهم خواهد بود، نحوهٔ مواجههٔ فقیه با ادلـهٔ متضـمن و بیانگرِ مقاصدِ حکـم شـرعی اسـت. فقیهـان و عالمـان اسـلامی در مواجهـهٔ بـا ایـن ادلـه، رویکردهای مختلفی دارند؛ رویکرد اول اینکه فقیهی با تکیه بر ادلهٔ متضمن حکـم شـرعی دلیل متضمن مقاصد را نادیده انگارد. به‌عنوان نمونه، در روایت معتبر از ابووَلّاد آمده است: «حیوانی را برای مدت کوتاهی کرایه کردم، حادثه‌ای رخ داد و مسـافرتم بـه طـول کشـید. رفت و برگشت من پانزده روز شد، خواستم صاحب حیوان را به پانزده درهم راضی کـنم، ولی راضی نشد. نزد ابوحنیفه رفتیم تا وی قضاوت کند و او چنـین داوری کـرد، صـاحب حیوان هیچ حقی بر تو ندارد؛ زیرا تو با تخلف از قرارداد اجاره، ضـامنِ حیـوان شـده‌ای و هرکس ضامن شود، نباید کرایه بپردازد! ابوداوود می‌گوید: از پیش ابوحنیفه بیرون آمدیم در حالی‌که صاحب حیوان می‌گفت: «إنا لله و إنا الیه راجعون» (بقـره: ١٥٦) مـن او را بـا دادن مقداری مال راضی کردم. در همان سال به حج مشرف شده و محضر امام صـادق (ع) نیـز رفته و مسئله را عنوان کردم. امام (ع) فرمود: در مانند این قضاوت، آسمان باران را حبس و زمین از برکاتش امتناع می‌کند. سپس فرمودند: بایـد اجـرت معمـول بـازار را بـه صـاحب

Archive of SID

www.SID.ir

حیوان بپردازی» (طوسی، ۱٤۱۷ق، ج ۷: ۲۵٦). قضاوت ابوحنیفه بر اساس دلیل متضمن حکم یعنی «الخراج بالضمان» بوده است که نبی اکرم (ص) فرمودند: «منافع در مقابل ضمان است؛ و هر کس ضامن باشد، منافع نیز از اوست»؛ در حالی‌که بیان امام صادق (ع) بیانگر ضرورت رعایت عدالت معاوضی است؛ یعنی در ازای بهره‌مندی از منافع، باید اجرت آن بر اساس عرف پرداخت شود. به‌عنوان نمونه فقیهان در زمینهٔ حکم زکات به مال یتیم، قائل به عدم وجوب شده‌اند، آنان در این فتوا به اصل عدم وجوب و اطلاق برخی ادلهٔ متضمن حکم عدم وجوب مانند خبر ابوبصیر، خبر محمدبن قاسم، خبر صحیح محمدبن مسلم و خبر صحیح زراره استناد جسته‌اند (نجفی، ۱٤۰٤ق، ج ۱۵: ۱٦ – ۱۷). اینها در تبیین فهم خویش به مقصد و حکمت جعل حکم زکات هیچ اشاره‌ای ندارند. ولی ابن‌ادریس حلی در تبیین ادلهٔ عدم تعلق حکم وجوب زکات به مال یتیم، به حکمت حکم وجوب زکات که همان تطهیر زکات‌دهنده و تزکیهٔ آنها از گناهان است؛ «خذ من اموالهم صدقةً تطهرهم و تزکیهم بها» (توبه: ۱۰۳) اشاره می‌کند و می‌نویسد: «طفل چون گناهی برایش متصور نیست، اخذ زکات برای تطهیر مال او بدون موضوع است» (ابن‌ادریس، ۱٤۱۰ق، ج ۱: ٤۳۰).

بنابراین بر اساس این رویکرد چه‌بسا بتوان برای تفسیر دلیل متضمن حکم شرعی، از دلیل متضمن مقاصد مربوط هم بهره جست.

رویکرد دوم اینکه پژوهشگر برای ادلهٔ متضمن مقاصد، اصالت قائل شود و ادلهٔ متضمن حکم شرعی را تنها مشتمل بر سازوکارها و ابزارهای وصول به آن مقاصد بداند. به‌عنوان نمونه، حد سرقت و حد محاربه، برای صیانت جامعه از جرایم مالی و امنیتی پیش‌بینی شده است.

چنانچه این مقصد با عقوبت‌های دیگری چون حبس یا مجازات‌های مالی تحصیل شود، می‌توان آن عقوبت‌ها را جایگزین حدود کرد و نص صریح قرآنی متضمن احکام شرعی مانند «السارق و بالسارقة فاقطعوا ایدیهما» (مائده: ۳۸) و «انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً أن یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او

Archive of SID

www.SID.ir

ینفوا من الارض» (مائده: ۳۳) را متعلق به اوضاع و احوال اجتماعی جامعه و عصر تشریع دانست. در اوضاع و احوال زندگی معاصر، باید ابزارها و سازوکارهای متناسب با عصر را، برای وصول به غایات و اهداف اختیار کرد.

برخی از کسانی که این رویکرد را پیشنهاد می‌کنند، سنجهٔ مطلوب بودن ابزارها یعنی قانون‌ها و نهادهای مربوط به روابط حقوقی خانواده و اجتماع، حکومت و شکل آن، قضاوت، حدود، دیات، قصاص، معاملات و مانند اینها را، سازگاری و ناسازگاری آنها با امکان سلوک توحیدی مردم می‌دانند. (مجتهد شبستری، ۱۳۷۸: ۸٦ – ۸۸).

پذیرش این رویکرد با کنار گذاشتن صدها نص قرآنی و هزاران روایت معتبر مشتمل بر احکام ملازمه دارد. چگونه می‌توان با به‌کارگیری مفاهیم غیرمنضبطی چون سلوک توحیدی، میراث به‌جای ماندهٔ مشتمل بر احکام را نادیده گرفت؟!

رویکرد صحیح در مواجههٔ با ادلهٔ مشتمل بر مقاصد شرایع این است که فقیه برای کشف حکم شرعی به ادلهٔ متضمن آن مراجعه کند و در همان حال به مقاصد در استنباط و کشف احکام و تفسیر آن توجه داشته باشد. وی می‌تواند در تبیین مبانی حکم شرعی به مقاصد و علل تصریح‌شدهٔ در ادلهٔ مشتمل بر حکم شرعی اشاره کند. ولی اگر مقتضای یک دلیل یا اطلاق و عموم آن مخالف مقاصد شریعت باشد، مطالعه در مواجههٔ فقیهان امامیه نشان می‌دهد که غالب آنان با اعتماد به ادلهٔ متضمن حکم شرعی، ادلهٔ مشتمل بر مقاصد را نادیده گرفته‌اند یا با توجه به اطلاق ادلهٔ متضمن حکم، آن را تفسیر کرده‌اند. در مقابل عده‌ای نیز در مواردی با اهتمام بخشیدن به مقاصد، ادلهٔ مبین حکم را به گونه‌ای سازگار با مقاصد تفسیر و توجیه کرده‌اند. بدون تردید نمی‌توان صدها آیه و هزاران روایت معتبر متضمن حکم شرعی را در استنباط حکم به‌عنوان ابزار و وسیلهٔ وصول به مقاصد نادیده گرفت. لذا فقیه در درجهٔ نخست، به ادلهٔ متضمن و مبین حکم مراجعه می‌کند و آنها را مستند فتوای خود قرار می‌دهد، ولی او نمی‌تواند ادلهٔ متضمن مقاصد را نیز نادیده بگیرد. بلکه چه‌بسا اطلاق و عموم دلیل متضمن حکم شرعی، با مقصد شارع در دلیل مقاصد شارع سازگار نباشد. در این‌صورت دلیل مقاصد، از ظهور اطلاق و عموم دلیل متضمن حکم جلوگیری می‌کند.

Archive of SID

www.SID.ir

محقق اردبیلی معتقد است «چنانچه اطلاق دلیل متضمن حکم جواز مقابله به مثل یعنی آیات ٤٠ و ٤١ سورهٔ مبارکهٔ شوری "جزاء سیئةٍ سیئةٌ مثلها فمن عفی و اصلح اجره علی الله إنه لایحب الظالمین ..." اقتضا دارد که قصاص در قتل، قطع عضو و جراحت و هر نوع مقابله به مثل، حتی ضرب و سخن ناروا را برمی‌تابد؛ البته در مواردی که (بر اساس دلیل خاص) مقابله به مثل و قصاص در آن جایز نیست، مانند شکستن استخوان و جراحت و ضرب در مورد بیم و قذف و امثال آن، از مدلول آیه خارج و بقیهٔ موارد در عموم آیه داخل است. این دو آیه، بر جواز آنچه بیان شد، دلالت دارد. بدون اینکه به اذن حاکم و اثبات جرم نزد وی و شهود و مانند آن مقید باشد» (اردبیلی، بی‌تا: ٦٨٠).

ولی وقتی دلیل متضمن حکم جواز مقابله به مثل با ملاحظهٔ مقاصد شارع در حفظ نظام جامعه (که منشأ حفظ نفس، مال، عرض و دین مردم است) بازخوانی شود، نمی‌توان به آسانی به جواز قصاص و مقابله به مثل از ناحیهٔ مردم، بدون ارجاع به محکمهٔ صالحه فتوا داد. یعنی مقاصد شریعت به‌عنوان یک قرینه، مانع ظهور اطلاق دلیل متضمن حکم شرعی می‌شود. به تعبیر دیگر، مقاصد شریعت با تصرف در ظهورِ دلیلِ مانعِ انعقاد آن، در اطلاق می‌شود. همچنین چه‌بسا در مواردی فقیهی با عنایت به مقاصد شارع، در اصل صدور دلیل مشتمل بر حکمی تشکیک و تردید کند. به‌عنوان نمونه بسیاری از فقیهان برای رهایی از ارتکاب ربا به استناد روایاتی (حر عاملی، ١٤١٤ق، ج ١٨: ١٦٢ – ١٦٣) به حیل ربا فتوا داده‌اند. در مقابل، بعضی دیگر با عنایت به مقاصد شریعت و علل الشرایع حکم حرمت ربا، در صدور این روایات تشکیک کرده‌اند. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌نویسد: «این سخن خداوند که "سرمایه از آن شماست بدون آنکه ستم کنید یا مورد ستم قرار بگیرید" دلالت دارد بر اینکه گرفتن زیاده بر اصل مال، از دیدگاه شارع ظلم و ستم است. و همین ظلم و ستم حکمت تحریم یا علت آن است. این ستم با تبدیل عنوان از بین نمی‌رود. روایات صحیح و غیر آن، حرمت ربا را چنان تعلیل کرده که ربا سبب روگردانی مردم از معاملات و کار نیک است. و علت آن این است که ربا فساد و ظلم است» (خمینی، ١٤٢١ق، ج ٢: ٥٥٣) و همچنین در بیان دیگری در زمینهٔ روایات دال بر جواز حیل ربا می‌نویسد: «بعید نمی‌دانم که این احادیث برای تیره ساختن چهرهٔ امامان پاک و معصوم جعل شده باشد» (خمینی،

Archive of SID

www.SID.ir

۱٤۲۱ق، ج ۵: ۵۳۱). بنابراین توجه و اهتمام به مقاصد شرعی موجب شده است که امام خمینی (ره)، در روایت‌های دال بر جواز حیل ربا، با وجود صحت سند برخی از آنها تردید کنند. فرآیند رسیدن به این نتیجه، مبتنی بر یک قیاسی منطقی و عقلی است و آن اینکه «گرفتن زیادت بر اصل مال ظلم و ستم است» و «ظلم و ستم در همه حال حرام است». در پیدایش درک قطعی عقل با عنایت به تعبیر شیخ انصاری، اکثر صاحب‌نظران در تعارض درک قطعی عقل با نقل، عقل را مقدم دانسته‌اند (شیخ انصاری، ۱٤۲۲ق، ج ۱: ۱۰ – ۱۱). شیخ انصاری نیز در این زمینه می‌نویسد: «در هر موردی که قطع به حکم از ناحیهٔ دلیل عقلی حاصل شود دلیل نقلی نمی‌تواند با آن معارضه نماید. حال اگر به‌حسب ظاهر چنین تعارضی دیده شود، ناچار باید دلیل نقلی را چنانچه قابل طرح و رد نباشد، به تأویل برد» (همان). بنابراین مقاصد شریعت در برخی موارد امکان حضور عقل در کنار نص را فراهم می‌آورد و از این ناحیه در کشف استنباط تأثیر می‌گذارد.

نتایج و یافته‌ها

۱. مقاصد شریعت عبارت از اهدافی است که در شریعت به‌منظور جلب مصالح و دفع مفاسد بندگان از ناحیهٔ شارع دنبال می‌شود.
۲. مقاصد شریعت به اعتبارات گوناگون، تقسیمات متفاوتی دارد که به اعتبار اهمیت، به ضروریات، حاجیات و تحسینات تقسیم شده است.
۳. از منظر امام غزالی، حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال بندگان، از مصالح ضروریه به‌شمار می‌آیند.
٤. مصالح ضروریه، مُحَصِّلِ مقاصد شریعت هستند.
۵. قرآن کریم، احادیث معتبر، عقل و بنای عقلا منابعی هستند که برای اثبات حقانیت، مشروعیت، ضرورت و تعیین و تشخیص مقاصد شریعت، مورد رجوع فقیه قرار می‌گیرند.
٦. فقیه در فهم، تفسیر و تبیین حکم شرعی از مقصد آن حکم، یا مجموعه‌ای از احکام همسو بهره می‌گیرد.

Archive of SID

www.SID.ir

۷. مقاصد شریعت شاید در نفی اعتبار برخی از روایات، مغایر با مقاصد مورد استناد فقیه قرار گیرد.

۸. دلیل متضمن مقاصد شاید از ظهور اطلاق یا عموم دلیل متضمن حکم جلوگیری کند.

Archive of SID

www.SID.ir

منابع

۱. ابن‌ادریس حلی، محمد (۱٤۱۰ق). *السرائر*، چاپ دوم، قم: مؤسسةالنشر الاسلامی.

۲. ابن‌بابویه، محمدبن علی (بی‌تا). *علل الشرائع*، قم: مکتبهٔ الداوری.

۳. ابن‌عاشور، محمد طاهر (۱٤۱۲ق). *مقاصد الشریعة الاسلامیه*، ج ۲، عمان: دارالنفائس.

٤. ابن‌منظور، محمدبن مکرم (۱٤۱٤ق). *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر للطباعهٔ و النشر و التوزیع – دار صادر.

۵. اردبیلی، احمدبن محمد (بی‌تا). *زبدة البیان فی أحکام القرآن*، تهران: المکتبهٔ الجعفریهٔ لإحیاء الآثار الجعفریهٔ.

٦. استرآبادی، محمد امین (۱۳۸٤). *الفوائدالمدنیة*، چاپ دوم، قم: مؤسسهٔ النشر التابعهٔ لجماعهٔ المدرسین.

۷. اصفهانی، محمدحسین (بی‌تا). ***نهایةالدرایهٔ فی شرح الکفایهٔ***، بیروت: مؤسسهٔ آل‌البیت (ع).

۸. انصاری، مرتضی (۱٤۲۲ق). *فرائدالاصول*، چاپ دوم، قم: مجمع الفکر الاسلامی.

۹. بحرانی، یوسف (۱۳۷٦ق). *الحدائق الناضره*، نجف: دارالکتب الاسلامیهٔ.

۱۰.البدوی، یوسف احمد محمد (۱۳۷۸). *مقاصد الشریعة عند ابن‌تیمیة*، ج ۲، اردن: دارالنفائس.

۱۱.جوهری، اسماعیل‌بن حماد (۱٤۱۰ق). *الصحاح – تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت: دارالعلم للملایین.

۱۲.حر عاملی، محمدبن حسن (۱٤۱٤ق). *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، چاپ دوم، قم: تحقیق مؤسسهٔ آل‌البیت لاحیاءالتراث.

۱۳.خویی، سید ابوالقاسم (۱٤۱۰ق). *محاضرات فی اصول الفقه*، الطبعهٔ الثالثهٔ، قم: دارالهادی للمطبوعات.

Archive of SID

www.SID.ir

۱۴.خمینی (ره)، سید روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه نور*، ج ۱، تهران: مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۱۵._____ (۱۳۷۶). *ولایت فقیه*، ج ٦، تهران: مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۱٦._____ (۱۳۷٦). *کتاب الطهارة*، ج ۳، قم: چاپخانهٔ حکمت.

۱۷._____ (۱٤۲۱ق). کتاب البیع، تهران: مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۱۸.راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱٤۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، لبنان – سوریه: دارالعلم – الدارالشامیهٔ.

۱۹.ریسونی، احمد (۱٤۱٦ق). *نظریة المقاصد عندالامام الشاطبی*، بیروت: المعهد العالمی للفکر الاسلامی.

۲۰.زحیلی، وهبهٔ (بی‌تا). *مقاصد الشریعة اساسٌ لحقوق الانسان*، بی‌جا: المکتبهٔالاسلامیه.

۲۱.شاطبی، ابراهیم‌بن موسی (۱٤۱۵ق). *الموافقات فی اصول الشریعة*، ج ۱، تحقیق: شیخ ابراهیم رمضان، بیروت: دارالمعرفهٔ.

۲۲.شهید اول، محمدبن مکی (۱۹۸۰). *القواعد و الفوائد فی الفقه*، تحقیق سید عبدالهادی حکیم، نجف: منتدی النشر.

۲۳.صدر، شهید، سید محمد باقر (۱٤۰۳ق). *الفتاوی الواضحة وفقاً لمذهب أهل البیت علیهم السلام*، چاپ هشتم، بیروت – لبنان: دارالتعارف للمطبوعات.

۲٤.طوسی، محمدبن حسن (۱٤۱۷ق). *تهذیب الاحکام*، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، تهران.

۲۵.غزالی، ابوحامد (۱٤۱۷ق). *المستصفی من علم الاصول*، محمد عبدالسلام عبدالشاطی: دارالکتب العلمیهٔ.

۲٦.فاسی، علال (۱٤۱۱ق). *مقاصد الشریعةالاسلامیة و مکارمها*، ج ۲، رباط.

۲۷.قمی، میرزا ابوالقاسم (بی‌تا). *قوانین الاصول*: بی‌جا.

Archive of SID

www.SID.ir

۲۸.مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۸). *ایمان و آزادی*، تهران: طرح نو.

۲۹.مجلسی، محمد باقر (١٤١٠ ق). *بحارالانوار*، ج ٦، بیروت: دارالوفاء.

۳۰.مطهری، مرتضی (١٣٦٢). *اصل اجتهاد در اسلام* (مجموعهٔ مقالات)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعهٔ مدرسین.

۳۱.ـــــــــــــ (۱۳۸۰). *مجموعهٔ آثار*، تهران: صدرا/

۳۲.نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن (١٤٠٤ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، چاپ هفتم، بیروت ـ لبنان: دارالإحیاء التراث العربی.

۳۳.نراقی، احمد (١٤١٧ق). *عوائدالایام*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

Archive of SID

www.SID.ir